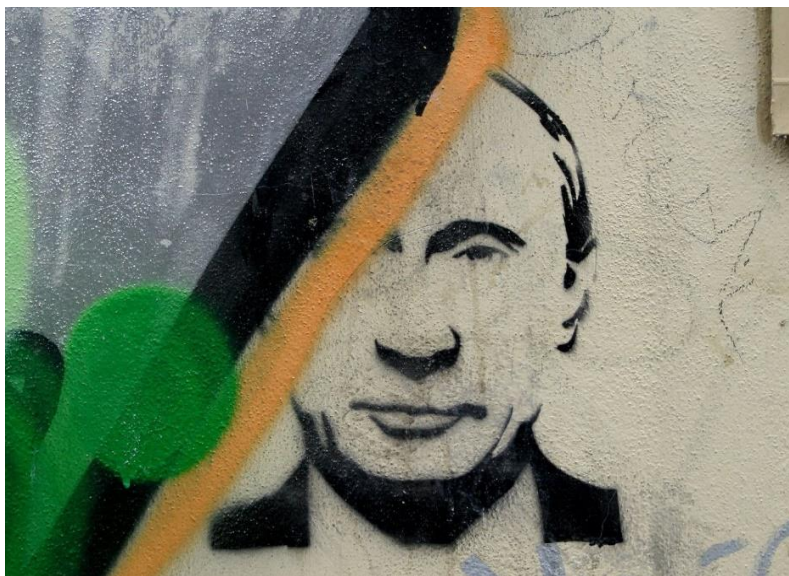


دو یادداشت درباره‌ی بحران اوکراین

پاتریک کوبرن و دیگران



تهاجم نظامی روسیه به اوکراین یکی از مهم‌ترین رخداد‌های قرن جدید است که آثار طولانی‌مدتی بر آینده‌ی روسیه، اروپا و احتمالاً کل جهان خواهد گذاشت. برای آگاهی خوانندگان «نقد اقتصاد سیاسی» ترجمه‌ی دو یادداشت جدید درباره‌ی بحران اوکراین در ادامه منتشر می‌شود. یادداشت نخست نوشته‌ی پاتریک کوبرن روزنامه‌نگار پژوهشی سرشناس چپ‌گرا در نشریه‌ی «کانترپانچ» است. کوبرن در تمامی دهه‌های اخیر از مناطق بحران‌زده و جنگ‌زده‌ی جهان گزارش‌های ارزنده‌ای تهیه کرده است. وی در این یادداشت تهاجم پوتین به اوکراین را مشابه تجاوز صدام به کویت یا همان پی‌آمدهای فاجعه‌بار می‌داند. دومین مقاله را دو پژوهشگر چپ‌گرای روسیه در نشریه‌ی ژاکوبن منتشر کرده‌اند و در آن از جمله به سطح پایین حمایت مردم روسیه از اقدامات نظامی پوتین اشاره کرده‌اند. - نقد اقتصاد سیاسی

پیشروی پوتین در اوکراین مشابه حمله‌ی صدام به کویت...

فاجعه‌ای برای روسیه است

پاتریک کوبرن

در دوم اوت ۱۹۹۰، [صدام حسین دستور داد](#) ارتش عراق به کویت حمله و آن‌جا را اشغال کند. این عملیات به شکست عراق در جنگ، شورش‌هایی که به شکل خونین سرکوب شدند، ۱۳ سال تحریم‌های سازمان ملل، شکست در جنگ دوم، اشغال خارجی و دو دهه درگیری‌های داخلی منجر شد که تازه اکنون در شرف اتمام است. بیش از سی سال بعد، [ولادیمیر پوتین تانک‌ها و سربازان خود را](#) به جمهوری‌های جدایی‌طلب دونتسک و لوهانسک در شرق اوکراین فرستاد، مناطقی که استقلال آن‌ها را به رسمیت شناخت و موجب واکنش خشمگینانه و تهدیدهای تلافی‌جویانه‌ی کشورهای ناتو شد.

اقدامات پوتین ممکن است در کوتاه‌مدت به جنگ گسترده‌تری منجر نشود. در کوتاه‌مدت، بستگی دارد به این که آیا نیروهای روسی به آن سوی جبهه‌ی کنونی حرکت کنند و به دنبال گسترش قلمرو تحت کنترل جمهوری‌های جدایی طلب باشند یا خیر. یکی از کارشناسان اوکراین به من گفت: «شخصاً فکر می‌کنم فعلاً وضع همین است». پوتین در حال حاضر همه چیز را در دونتسک و لوهانسک کنترل می‌کند و پیشروی بیشتر او نیروهایش را وارد قلمرو در اختیار "مقاومت" می‌کند.»

اما پیشروی روسیه تأثیری سیاسی دارد که بسیار فراتر از منطقه‌ی دونباس است و آینده‌ی اوکراین و اروپا را متأثر می‌کند. پوتین با به رسمیت شناختن استقلال دو جمهوری جدایی طلب، چشم‌انداز راه حل دیپلماتیک با اوکراین را از میان برداشته است. در قلب توافق‌نامه‌ی مینسک-۲ در سال ۲۰۱۵، یک توافق اجرا نشده برای خودمختاری جمهوری‌های طرفدار روسیه در اوکراین بود که به نظر می‌رسید تنها راه دیپلماتیک امکان‌پذیر به جلو بود - و این راه حل اکنون برای همیشه از بین رفته است.

پوتین در سخنرانی خود در روز دوشنبه گفت که به نظر او مینسک-۲ یک «فرایند سترون» شده است.

بدین ترتیب سؤال مهم دیگری مطرح می‌شود. مسکو تا چه اندازه دولت کیف را مشروع می‌داند، زیرا پوتین مدام می‌گوید که این دولت را دست‌نشانده و عامل غرب می‌داند؟ در نتیجه به این پرسش می‌رسیم که آیا پوتین قصد دارد حمله‌ی کامل به اوکراین را آغاز کند یا خیر.

صفحه‌های تلویزیون پر از نقشه‌هایی هستند که فلش‌های قرمزنگی را نشان می‌دهند که در آن ستون‌های تانک روسی ممکن است از بلاروس به سمت کیف خارج شوند یا از کریمه به سمت شمال پیشروی کنند تا اوکراین را در شرق رودخانه دنی پر تصرف کنند. این امر می‌تواند طی یک روز اتفاق بیفتد، اما هنوز شک داریم که این اتفاق به‌طور کامل بیفتد.

با وجود تمامی خشم عمومی بر سر دونباس، هنوز فقط درگیری محدودی وجود داشته است و درگیری نظامی بزرگی رخ نداده است. به همین ترتیب، هنوز مشخص

نیست که کشورهای غربی تا چه اندازه تحریم‌هایی را که به عنوان مجازات تهاجم روسیه در مقیاس کامل به کل اوکراین طراحی شده است، تسریع خواهند کرد. قدرت نظامی صدام حسین و عراق سه دهه پیش را با پوتین و روسیه‌ی امروز مقایسه کنید. دیکتاتور عراق ارتش قدرتمندی داشت که هشت سال با ایران می‌جنگید، اما هیچ چیز نتوانست باعث شود که در برابر ائتلاف به رهبری آمریکا بایستد. همچنین معروف است که اصلاً سلاح کشتار جمعی نداشت، چیزی که پوتین به‌وفور از آن برخوردار است.

آمریکا برای بیرون راندن ارتش عراق از کویت ارتش قدرتمندی را مستقر کرد. اما در اوکراین، قدرت‌های ناتو به صراحت اعلام کرده‌اند که قرار نیست نیروهای خود را به جنگ بفرستند.

در عوض تسلیحات و تجهیزات برای ارتش اوکراین ارسال خواهد شد، اما بر اساس بررسی تفصیلی بنیاد جیمز تاون، بعید به نظر می‌رسد که از آنها به‌خوبی استفاده شود. براساس این بررسی، حدود ۲ میلیارد دلار که صرف نوسازی نظامی در اوکراین از سال ۲۰۱۴ تاکنون شده هیچ تأثیری نداشته است. این گزارش می‌گوید: «این که پس از هفت سال جنگ، نه ارتش اوکراین و نه صنایع دفاعی تحت هیچ‌گونه اصلاحات اساسی یا پایداری قرار نگرفته‌اند، قابل تأمل و معتبر است»

این ناکامی‌ها هر چه که باشند، لشکرکشی طولانی‌مدت روسیه احتمالاً برای مسکو فاجعه‌بار خواهد بود، اما می‌تواند مدتی طولانی ادامه یابد و بسیار مخرب باشد.

پوتین ممکن است از آنچه در دونباس به دست آورده خوشحال باشد و ادعا کند که جمهوری‌های جدایی طلب طرفدار روسیه را از قتل‌عام نجات داده است. هنوز زود است که بدانیم تصرف دونتسک و لوهانسک چه‌گونه بر افکار عمومی روسیه تأثیر خواهد گذاشت. پوتین هیچ‌گاه به اندازه‌ی زمانی که کریمه را در سال ۲۰۱۴ ضمیمه‌ی روسیه کرد، در نظرسنجی‌های روسیه بالا نبود.

ممکن است برای کرملین منطقی باشد که نیروهای نظامی خود را به عنوان یک تهدید بدون استفاده در اطراف اوکراین نگه دارد، حضور آنها بسیار خطرناک‌تر است زیرا حمله به شرق اوکراین نشان می‌دهد که روسیه آماده‌ی استفاده از نیروی نظامی

است. این خیلی به مهارت پوتین و مشاورانش در مانورهای سیاسی بستگی دارد، تمامی نشانه‌هایی دال بر آن است که آنها اصلاً ماهر نیستند.

یکی از کارشناسان روسیه گفت: «استعداد و هوش مردان اطراف پوتین احتمالاً کمتر از سطح هر گروهی از مشاوران رهبران روسیه از زمان تزار نیکلای دوم [که بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۸ اعدام کردند] است».

تهاجم به شرق اوکراین حل و فصل بحران را که ممکن است سال‌ها ادامه داشته باشد، از پیش دشوارتر می‌کند. این خبر بدی برای اوکراین، روسیه و همسایگان آنهاست زیرا اقتصاد آنها به دلیل بی‌اطمینانی ناشی از جنگ سرد و گرم و تحریم‌های اقتصادی خفه خواهد شد. این همان اتفاقی است که در عراق و سوریه رخ داد. به‌ویژه تحریم‌ها ابزار بسیار مؤثری هستند که کل جامعه و اقتصاد را فلج می‌کنند.

بزرگ‌ترین ضربه برای روسیه تاکنون تعليق صدور گواهینامه خط لوله گاز نورد استریم ۲ توسط آلمان بوده است. پس از اعلام پوتین مبنی بر مداخله‌ی قریب‌الوقوع، ارزش بورس روسیه برحسب دلار ۱۴ درصد کاهش یافت و اوکراین می‌گوید که ماهانه ۲ تا ۳ میلیارد دلار به دلیل بحران ضرر می‌کند.

زمانی که صدام حسین به کویت حمله کرد، عراقی‌ها بر این گمان بودند که او باید به عواقب اقدامات خود فکر کرده باشد و منتظر بودند تا مذاکرات اساسی را آغاز کند یا مانوری دیپلماتیک انجام دهد - تا این که جنگ سر رسید.

پیوند با منبع اصلی:

<https://www.counterpunch.org/2022/02/23/putins-advance-into-ukraine-compares-with-saddam-husseins-invasion-of-kuwait-a-disaster-for-russia>

مردم عادی روسیه با جنگ مخالفاند

ایلیا ماتویف و ایلیا بادریتسکیس

ولادیمیر پوتین تهاجم خود به اوکراین را آغاز کرده است و ظاهراً انتظار دارد که نیروهایش بتوانند مقاومت اوکراین را تسخیر کنند. اما - در حالی که روس‌ها در حال حاضر اشتیاق چندانی برای جنگ نشان نداده‌اند - این حمله می‌تواند رژیم او را به شدت بی‌ثبات کند.

روسیه شب گذشته به اوکراین حمله کرد. بدترین هراس‌ها تأیید شده است. هنوز از وسعت تهاجم به طور کامل اطلاع نداریم، اما تاکنون روشن شده که ارتش روسیه به اهدافی در سراسر این کشور حمله کرده است، نه فقط در جنوب شرقی (در امتداد مرزهای به اصطلاح «جمهوری‌های خلق»). صبح امروز اوکراینی‌ها در شهرهای مختلف با صدای انفجار از خواب بیدار شدند.

ولادیمیر پوتین هدف نظامی این عملیات را روشن کرده است: تسلیم کامل ارتش اوکراین. طرح سیاسی همچنان نامشخص است - اما به احتمال زیاد به معنای استقرار یک دولت طرفدار روسیه در کیف است. رهبری روسیه فرض می‌کند که مقاومت به سرعت شکست خواهد خورد و اکثر مردم عادی اوکراین با وظیفه‌شناسی رژیم جدید را می‌پذیرند. روشن است که پی‌آمدهای اجتماعی آن برای خود روسیه حاد خواهد بود - پیش‌تر در صبح امروز، حتی قبل از اعلام تحریم‌های غرب، بورس‌های روسیه سقوط کردند و سقوط روبل همه‌ی رکوردهای قبلی را شکست.

سخنرانی شب گذشته‌ی پوتین که در آن آغاز جنگ را اعلام کرد، بیانگر زبان آشکار امپریالیسم و استعمار بود. از این نظر، او تنها حکومتی است که در اوایل قرن بیستم چنین آشکارا مانند یک قدرت امپریالیستی صحبت می‌کند. کرملین دیگر نمی‌تواند پشت سایر نارضایتی‌ها - از جمله حتی گسترش ناتو - نفرت خود از اوکراین و تمایل

به دادن «درس» تنبیهی به آن را پنهان کند. این اقدامات فراتر از «منافع» قابل درک عقلانی هستند و همانطور که پوتین آن را درمی‌یابد، در قلمرو «رسالت تاریخی» جای می‌گیرد.

از زمان دستگیری الکسی ناولنی در ژانویه ۲۰۲۱، پلیس و سرویس‌های امنیتی اساساً مخالفان سازمان‌یافته در روسیه را سرکوب کرده‌اند. سازمان ناولنی «افراطی» اعلام و متلاشی شد، تظاهرات در دفاع از او به حدود پانزده هزار بازداشت منجر شد و تقریباً تمام رسانه‌های مستقل یا بسته شدند یا به عنوان «عوامل خارجی» نامیده شدند، که به شدت فعالیت‌شان را محدود می‌کند. تظاهرات توده‌ای علیه جنگ بعید است - هیچ نیروی سیاسی قادر به هماهنگی آنها نیست و شرکت در هر اعتراض خیابانی، از جمله تظاهرات تک نفره، به سرعت و به شدت مجازات می‌شود. کنشگران و حلقه‌های روشنفکری در روسیه از این رویدادها شوکه شده و روحیه‌ی خود را باخته‌اند.

یکی از نشانه‌های اطمینان‌بخش این است که هیچ حمایت آشکاری از جنگ در جامعه‌ی روسیه قابل تشخیص نیست. بر اساس گزارش «لوادا سنتر»، آخرین آژانس نظرسنجی مستقل (که خود توسط دولت روسیه به عنوان «عامل خارج» شناخته می‌شود)، ۴۰ درصد روس‌ها از به رسمیت شناختن رسمی «جمهوری‌های خلق» دونتسک و لوهانسک توسط مقامات روسیه حمایت نمی‌کنند، در حالی که ۴۵ درصد روس‌ها این کار را تأیید می‌کنند. در حالی که برخی نشانه‌های «غلیان میهن‌پرستی و حمایت از رهبران سیاسی» اجتناب‌ناپذیر است، اما قابل تأمل است که با وجود کنترل کامل مهم‌ترین منابع رسانه‌ای و انتشار تبلیغات عوام‌فریبانه در تلویزیون، کرملین قادر به ایجاد شور و شوقی برای جنگ نیست.

چیزی مانند بسیج میهن‌پرستانه که پس از الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ رخ داد، امروز اتفاق نمی‌افتد. از این نظر، تهاجم به اوکراین این نظریه‌ی رایج را که تهاجم بیرونی کرملین همیشه با هدف حمایت از مشروعیت داخلی است، رد می‌کند. برعکس،

در هر صورت، این جنگ رژیم را بی‌ثبات می‌کند و حتی بقای آن را تا حدی تهدید می‌کند، زیرا «مسأله‌ی ۲۰۲۴» - نیاز به نمایشی قانع‌کننده از انتخاب مجدد پوتین به هنگامی که روس‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت می‌کنند - هنوز روی میز است.

چپ در سراسر جهان باید حول یک پیام ساده متحد شود: نه به حمله‌ی روسیه به اوکراین. هیچ توجیهی برای اقدامات روسیه وجود ندارد، این اقدامات به رنج و مرگ منتهی خواهد شد. در این روزهای تراژدی، ما خواستار همبستگی بین‌المللی با اوکراین هستیم.

پیوند با منبع اصلی:

<https://jacobinmag.com/2022/02/ordinary-russians-war-outbreak-ukraine-vladimir-putin>